

استنتاجات اساسی از تغییرات ژرف در جامعه

مصاحبه «پرچم سرخ» (*Rote Fahne*)، ارگان «حزب

مارکسیست-لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د.)

با اشتفان اینگل و گابی فشتنر



فوریه ۲۰۲۳

استنتاجات اساسی از تغییرات ژرف در جامعه

مصاحبه «پرچم سرخ»،

ارگان «حزب مارکسیست-لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د)

با اشتفان اینگل و گابی فِشتنر

فوریه ۲۰۲۳

پرچم سرخ: سال ۲۰۲۲ به عنوان یک "نقطه عطف در تاریخ" در نظر گرفته می‌شود. ارزیابی شما چیست؟

گابی فشتنر: دست کم با صدراعظم اولاف شولتس کلمه «نقطه عطف تاریخ»^۱ به دایره "کلمات سال" راه پیدا کرده است. او از این اصطلاح برای توصیف جهت‌گیری جدید سیاست خارجی آلمان امپریالیستی در جهت تدارک علنی برای جنگ جهانی سوم استفاده کرد. در سال ۲۰۲۲، برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، جنگ علنی بلوک‌های امپریالیستی آغاز شد. اما سال ۲۰۲۲ شاهد بحران‌های عمیق دیگری بود: آشکار شد که توسعه تدریجی بحران

^۱Zeitenwende

جهانی محیط زیست به یک فاجعه زیست محیطی جهانی تبدیل شده است. سال ۲۰۲۲ سال تاخت و تاز تورم و فقیر شدن طبقه کارگر و توده های وسیع بود. اما همچنین سال نارضایتی فزاینده از دولت، بیدار کردن آگاهی طبقاتی در میان هسته پرولتاریای صنعتی، و مهم تر از همه، بحران های عمومی جامعه در کشورهای هرچه بیشتری در جهان بود. در حالی که در برابر این پس زمینه بحران در میان اپورتونیست ها افسردگی است که گسترش می یابد، «حزب مارکسیست-لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د.)^۲ ثابت کرد که در سردرگمی در میان توده های گسترده که در ابتدا از همه طرف به وجود آمده، یک نقطه جهت گیری پایدار است. از این گذشته، رهبران قبلی جنبش صلح به جنگ افروزان آشکار از طرف اوکراین جهش یافتند و «سبزها» که زمانی به عنوان یک حزب محیط زیستی شروع به کار کردند، با زغال سنگ، نیروگاه های زغال سنگ و گاز فراکینگ احتراق سوخت های فسیلی را گسترش دادند. از میان همه احزاب، «آلترناتیو برای آلمان»^۳ به شکلی عوام-فریبانه خود را به شیوه ای سوسیال فاشیستی به عنوان مدافع صلح

Marxistisch-Leninistische Partei Deutschlands (MLPD)^۲
Alternative für Deutschland (AfD)^۳

فوری در اوکراین معرفی کرد، در حالی که «حزب چپ»^۴ و «حزب کمونیست آلمان» (د.ک.پ)^۵ در ابهام باقی مانده‌اند.

پرچم سرخ: سال گذشته وعده اصلی که داده شد این بود که تحویل تسلیحات و "تحریم‌ها" به سرعت به جنگ در اوکراین پایان خواهد داد. چگونه ممکن است که این امر چنین شکست بزرگی به بار بیاورد؟

گابی فشتنر: در عین حال، در این جنگی که از هر دو طرف ناعادلانه است، هر دو طرف جنگ در بحران هستند. در اواسط نوامبر ۲۰۲۲، عالی‌رتبه‌ترین ژنرال ایالات متحده، مارک میلی، به این ارزیابی رسید که "احتمال پیروزی نظامی اوکراین ... که به این زودی اتفاق بیفتد، از نظر نظامی زیاد نیست."^۶ این زمانی بود که تنها چند ماه پیش از آن، پیروزی بی‌قید و شرط اوکراین به عنوان اصل هدایت‌کننده اعلام شده بود. کنفرانس رامشتاین ناتو در ژانویه مرحله دیگری را در تشدید تدارک برای جنگ جهانی آغاز کرد. تحویل تانک‌های لئوپارد قبلاً به عنوان یک "خط قرمز" تلقی

^۴ Die Linke

^۵ Deutsche Kommunistische Partei, DKP

^۶ <https://www.reuters.com/world/europe/us-general-plays-down-odds-near-term-military-victory-ukraine-2022-11-16/>

می‌شد. مدت کوتاهی پس از اینکه اولاف شولتس تحویل جنگنده-های جت را به عنوان خط قرمز جدید تعیین کرد، اکنون لهستان، فرانسه و ایالات متحده دقیقاً مشغول بررسی این تحویل هستند. در این میان، این عبارت مدام گفته می‌شود که دیگر نباید خط قرمزی وجود داشته باشد.^۷ در همین حال، روسیه ارتش (فعال) خود را از ۱,۱۵ میلیون به ۱,۵ میلیون سرباز افزایش می‌دهد و علاوه بر آن جنگ غیرانسانی خود علیه مردم اوکراین را ادامه می‌دهد. حمله متقابل اوکراین به کشته شدن ده‌ها هزار سرباز و غیرنظامی دیگر منجر شده است. **ما هرگز به اندازه امروز به جنگ (هسته‌ای) جهانی سوم نزدیک نبوده‌ایم.** نمی‌توان تصور کرد که توده‌های کشورهای متخاصم به صورت پایدار در این جنگ به پیروزی برسند. یک جنگ امپریالیستی نمی‌تواند به طور نامحدود تداوم بیابد و یا بدون اکثریت مردم یا علیه آن‌ها به پیروزی برسد. در آلمان و همچنین در سایر کشورها، پیشرفت هرچه بیشتر ناتو در تبدیل شدن آشکار به یک طرف جنگ می‌تواند نزد **توده‌ها به عنوان حدّ یقف جنگ شناخته شود.** در هر صورت، «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د) در مخالفت با طبل‌های کرکننده جنگ، با شدت بیشتری درباره ماهیت جنگ آموزش می‌دهد و

^۷<https://www.tagesspiegel.de/politik/waffenlieferungen-an-die-ukraine-es-gibt-keine-roten-linien-9170511.html>

مقاومت فعال را سازمان‌دهی می‌کند. فعالیت در سالگرد آغاز جنگ در ۲۴ فوریه نقش مهمی در این امر ایفا خواهد کرد.

پرچم سرخ: کشورهای نو-امپریالیستی در حال حاضر چه نقشی بازی می‌کنند؟

گابی فشتنر: کشورهای نو-امپریالیستی از درگیری بین بلوک‌های امپریالیستی ناتو و روسیه سود می‌برند. این امر به ویژه برای هند، چین، آفریقای جنوبی، برزیل و ترکیه صادق است. اکثر نیروهای رویونیسم مدرن اکنون موضع سوسیال‌شوونیستی اتخاذ کرده‌اند و از روسیه و چین نو-امپریالیستی حمایت می‌کنند. آنها امیدوارند که نظم جهانی چندقطبی جدید به جهانی صلح‌آمیزتر منجر شود. بیست و نهمین شورای صلح فدرال در کاسل در دسامبر ۲۰۲۲ حتی تبلیغ می‌کند که "نظم جهانی چند قطبی جدید می‌تواند به اصول عدالت اجتماعی، همبستگی بین‌المللی، دموکراسی و پایداری زیست‌محیطی متعهد باشد".^۸ این موضع به معنای مخالفت با ابرقدرت امپریالیستی آمریکا با حمایت غیرانتقادی کشورهای کوچکتر یا سایر کشورهای امپریالیستی است. این با مارکسیسم-لنینیسم که می‌گوید هیچ شکلی از امتیاز برای هیچ نوعی از

<https://friedensratschlag.de/abschlusserklaerung/>^۸

امپریالیسم نمی‌تواند وجود داشته باشد، ناسازگار است. در واقع، مبارزه برای تقسیم مجدد جهان به اوج خود می‌رسد. ایالات متحده آمریکا و چین مراکز تشکیل بلوک در نبرد امپریالیستی برای تقسیم مجدد جهان هستند. هر دو برای «درگیری‌های بزرگ» جدید آماده می‌شوند. برخلاف این ادعا که غرب مدت‌های طولانی است که این‌طور متحد نبوده است، درگیری‌های تجاری بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز تشدید می‌شود. قانون موسوم به «کاهش تورم» یک برنامه یارانه و حمایت‌گرایی به نفع سرمایه‌گذاری و تولید سرمایه مالی بین‌المللی در ایالات متحده است. ترکیه نو-امپریالیست با عضویت خود در ناتو و در عین حال همکاری نزدیک اقتصادی، سیاسی و نظامی با روسیه در حال دودوزه‌بازی قابل توجهی است. ترکیه با یورش به سوریه، عراق، هدف قرار دادن ویژه مبارزه آزادیبخش کوردها و تهدیدهای مداوم علیه یونان، یک جنگ‌افروز فعال در منطقه خاورمیانه است.

پرچم سرخ: در تابستان ۲۰۲۲، سازمان ملل زنگ خطر را درباره بدتر شدن بحران زیست‌محیطی به صدا درآورد. آیا تحلیل‌های تحقیقات زیست‌محیطی بورژوازی درست است؟

اشتفان انگل: گزارش سازمان ملل در واقع ناظر بر وخامت پیدا کردن چشمگیر بحران جهانی محیط زیست است. با این حال، نمی-تواند فاکت‌های واقعی را به درستی تفسیر کند، چرا که کل توسعه را بر اساس رعایت «توافقنامه اقلیمی پاریس» ارزیابی می‌کند.

با این حال، این توافق از ابتدا یک هدف مبتنی بر علم نبود، بلکه یک مصالحه شنیع بود. «توافقنامه اقلیمی پاریس» به طور دلبخواهی و بر اساس محاسبات صرفاً ریاضی تحولات گذشته، فرض می‌کند که گرمایش جهانی به میزان ۱,۵ تا ۲ درجه هنوز می‌تواند توسط بشریت مورد مقابله قرار بگیرد. با این حال، اکنون ثابت شده است که این اشتباه است. جهان در حال حاضر در حال گرم شدن به میزان متوسط ۱,۲ است؛^۹ که در آن تعدادی از نمودهای جدید در بحران زیست‌محیطی از قبل رخ داده است. در مجموع، منظور آن‌ها این است که نوع بشر اکنون در آغاز یک فاجعه زیست-محیطی جهانی است که به طور متوالی در حال گسترش و عمیق‌تر شدن است. به عنوان مثال، شماری از پیشرفت‌ها وجود دارد که قبلاً تحقیقات زیست‌محیطی در مورد آن‌ها به روش لازم در نظر گرفته نشده بود. این‌ها برگشت‌ناپذیرند و حتی بدون دخالت مستقیم انسان، از مرحله جدیدی در نابودی پایه‌های

^۹<https://www.umweltbundesamt.de/print/11187>

وجودی نوع بشر حکایت دارند: ذوب شدن یخ‌های قطبی باعث اثر سپیدایی^{۱۰} می‌شود، که پرتوهای گرمابخش خورشید را به فضا بازتاب می‌دهد، و این اکنون به طرز چشمگیری اقیانوس‌های جهان را گرم می‌کند. ناگفته نماند که این امر باعث می‌شود که بخش قابل توجهی از خشکی‌ها و جزایر امروزی به طور جبران‌ناپذیری در اقیانوس ناپدید شوند. ذوب شدن لایه منجمد دائمی در عمق زمین^{۱۱} حدود ۱۵۰۰ میلیارد تن گاز دی‌اکسید کربن و متان آزاد می‌کند. متان اثر گلخانه‌ای را تا ۲۵ برابر بیشتر از همان مقدار دی-اکسید کربن تقویت می‌کند. با ذوب شدن سریع یخچال‌های طبیعی تا سال ۲۰۵۰، بشریت بزرگ‌ترین مخزن آب آشامیدنی خود را از دست خواهد داد، که علاوه بر این باعث خواهد شد که بسیاری از رودخانه‌ها به نهر تقلیل بیابند. **جنگل‌زدایی** شتاب یافته **جنگل‌های بارانی آمازون** باعث شده است که زمین نه تنها یک محل ته‌نشینی اصلی دی‌اکسید کربن را از دست بدهد. بلکه همچنین به ناپدید شدن دائمی تعداد فزاینده‌ای از گونه‌های گیاهی و جانوری در سراسر بیوسفر کمک کرده است. بزرگ شدن سوراخ اوزون به طور چشمگیری آلودگی تهدیدکننده حیات سطح زمین توسط تشعشعات را وخامت بخشیده و باعث ناپدید شدن تمامی

Albedo effect^{۱۰}
permafrost^{۱۱}

گونه‌ها و همچنین افزایش چشمگیر سرطان پوست می‌شود. آخرین مورد که کم‌اهمیت هم نیست اینکه **جریان‌های اقیانوسی** در سال‌های اخیر چنان تغییر کرده‌اند که تعادل بین نیمکره‌های جنوبی و شمالی به طور فزاینده و به شکل غیرقابل برگشتی در حال مختل شدن است.

روند شتاب‌یافته تخریب بنیاد حیات بر روی زمین، که اکنون آغاز شده است و با **فوران‌های خشونت‌آمیز همراه است** – که ما آن را **یک فاجعه زیست‌محیطی جهانی می‌نامیم** – یک شکست مفتضحانه کامل برای نوع بشر است. مسئولیت منحصرأ بر عهده نظام جهانی امپریالیستی و به طور انحصاری بر عهده انحصارات بین‌المللی حاکم است.

تحقیقات زیست‌محیطی بورژوازی نمی‌تواند به چنین ارزیابی برسد، زیرا فقط به طور درونی با سیستم به بحث می‌پردازد و تا حد زیادی پیوندهای بنیادی بین انسان و طبیعت را نادیده می‌گیرد. بر این اساس، پیش‌بینی‌های خود را تنها بر اساس **الگوریتم‌های ریاضی** انجام می‌دهد که بیش از همه نسبت به تحولات پیش‌بینی‌نشده کور هستند. در کتاب آتی‌مان در سری کتاب‌های «**راه/انقلابی**»^{۱۲}

با عنوان «بحران علوم طبیعی بورژوازی»، به مشکل فقدان روزافزون رویکرد علمی در علوم طبیعی و پیامدهای چشمگیر آن با جزئیات بیشتری می‌پردازیم. تنها مبارزه انقلابی برای غلبه بر نظام جهانی امپریالیستی و تأسیس ایالات متحده سوسیالیستی جهان است که تصمیم می‌گیرد که آیا این روند فاجعه زیست‌محیطی جهانی، که از قبل آغاز شده، هنوز می‌تواند در ماهیت تهدیدآمیز آن برای بشریت تعدیل و یا حتی متوقف شود. برای چنین مبارزه‌ای که جامعه را تغییر می‌دهد، جنبش محیط‌زیست، طبقه کارگر و توده‌های وسیع مردم باید با نفوذ اکولوژیسم امپریالیستی و خرده‌بورژوازیی مقابله کنند.

پرچم سرخ: به گفته محققان محیط زیست، گزارش سازمان ملل نشان می‌دهد که توسعه هم‌اکنون در ساعت «دوازده و پنج دقیقه» قرار دارد. بنابراین آیا برای مبارزه برای حفظ محیط زیست دیر شده است؟

گابی فشتنر: نه! هرگز برای مبارزه دیر نیست و این ضرورت حتی با این توسعه بسیار خطرناک تشدید می‌شود. فاجعه زیست محیطی که از قبل آغاز شده دیر یا زود به قیمت جان صدها میلیون یا حتی میلیارد‌ها انسان تمام خواهد شد. از سوی دیگر، شرایط مادی و

دانش جامعهٔ سوسیالیستی در وحدت بشریت و طبیعت تا حد زیادی به بلوغ رسیده است. اما در این میان آن‌ها در یک **مسابقهٔ تاریخی علیه زمان** با سیستم ویرانگر جهانی امپریالیستی هستند. من کاملاً متقاعد شده‌ام که نوع بشر نمی‌خواهد در توحش یک جنگ جهانی سوم یا یک فاجعهٔ زیست محیطی جهانی از بین برود! مبارزهٔ زیست محیطی با مبارزهٔ طبقاتی بین‌المللی ترکیب خواهد شد و به بخشی جدایی‌ناپذیر از انقلاب سوسیالیستی بین‌المللی تبدیل می‌شود. مبارزه بر سر شیوهٔ تفکر بر سر این سؤال آشکار خواهد شد که فرد در رابطه با این موضوع چگونه موضع می‌گیرد. ما با هر **بی‌توجهی** به این موضوع مخالف خواهیم بود، اما با **حال و هوای روز قیامت‌گون** نیز مخالفت خواهیم کرد. «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د) باید در این مبارزهٔ زیست محیطی که جامعه را تغییر می‌دهد و نیز در تدارک و اجرای انقلاب سوسیالیستی بین‌المللی در آلمان نقش رهبری را ایفا کند. این همچنین انگیزه‌های غیرقابل انکاری برای این امر در سطح بین‌المللی ایجاد خواهد کرد.

پرچم سرخ: چند هفته پیش ما یک مقاومت فعال در برابر تخلیهٔ اجباری روستای «لوتزرات»^{۱۳} را تجربه کردیم. آیا این

^{۱۳} Lützerath

در حال حاضر شورشی علیه فاجعه زیست محیطی جهانی است؟

اشتفان انگل: مقاومت فعال در لوترات علیه گسترش استخراج زغال سنگ توسط دولت‌های فدرال و ایالتی هدایت می‌شود، که هر کدام با مشارکت دولت «سبز» تشکیل شده‌اند. به طور موجه «سبزها» در آنجا متهم به خیانت هستند. در انتخابات گذشته، آن‌ها هنوز هم برای مطالبه توقف زود هنگام استخراج زغال سنگ دوره افتاده بودند تا اعتراضات زیست محیطی در حال رشد را به مسیرهای پارلمان هدایت کنند. اقدامات مبارزاتی همچنین به صورت شفاهی علیه سرمایه‌داری و شرکت انرژی «ار.و.ا.»^۴ هدایت شد که گرایشی انتقادی از سرمایه داری را بیان می‌کند.

با این وجود مطالبات اصلی اعتراضات علیرغم همه رادیکالیسم‌شان، هنوز هم تا حد زیادی در چارچوب توافقنامه پاریس است و رسماً نیز به آن اشاره می‌کنند.^۵ با این حال، آن‌ها با انجام این کار، اساساً روند فاجعه زیست محیطی جهانی را که در حال حاضر در جریان است، دست کم می‌گیرند. این به خاطر این واقعیت است که در نهایت این فعالیت‌ها هنوز عمدتاً توسط سازمان‌های غیردولتی

RWE^{۱۴}

<https://www.x-tausend-luetzerath.de/>^{۱۵}

طرفدار دولت کنترل می‌شوند که در ارتباط نزدیکی با «حزب سبز» هستند و صراحتاً جهت‌گیری ضد کمونیستی دارند.

این وظیفه مارکسیست-لنینیست هاست که این وضعیت مبهم را از طریق حمایت همبستگی‌محور و انتقادی همراه با کار آموزشی آگاهی‌افزا حل کنند. تنها در این صورت است که این مبارزه می‌تواند بخشی از یک مبارزه زیست‌محیطی شود که حقیقتاً جامعه را تغییر دهد. چنین مبارزه زیست‌محیطی باید از نزدیک با طبقه کارگر مرتبط باشد و آن را به عنوان نیروی پیشرو بشناسد. کارگران صنعتی در شرکت‌های غول‌پیکر ابرانحصارات بین‌المللی، عاملان اصلی فاجعه زیست‌محیطی جهانی، دارای موقعیتی هستند که جامعه را تغییر می‌دهد؛ موقعیتی که باید برای مبارزه زیست‌محیطی که با فوریت مورد نیاز است نیز مورد استفاده قرار گیرد. نبردهای آنارشویستی تا حدی کودکانه در لوتزرات با کمال میل توسط رسانه‌های بورژوازی مورد سوء استفاده قرار گرفت، اما آن‌ها در عین حال توده‌های وسیع را از جنبش محیط زیستی بر حذر می‌دارند. مقاومت فعال به فوریت مورد نیاز است، اما هرگز نباید از توده‌ها و طبقه کارگر منزوی بماند و در نتیجه نیروی اصلی آن تغییر کند. خصلت ضروری تغییردهندگی جامعه تنها می‌تواند از مقابله کردن

پیروزمندانه با متنوع‌ترین اشکال ضدکمونیسم و اپورتونیسم منتج شود.

پرچم سرخ: در هر صورت، با توجه به شب سال نو، مسئلهٔ خشونت نیز بر لبان همگان جاری است. شما دربارهٔ آن چه می‌گویید؟

گابی فشتنر: ما قاطعانه این گزارش‌های مبنی بر دستکاری را رد می‌کنیم. نه به این دلیل که ما نسبت به جوانانی که خشم مخرب بی‌معنای خود را حتی بر سر کارگران نجات، امدادگران یا آتش‌نشانان هم خالی می‌کنند، انتقادی نداریم. اما نشان دادن جوانان مهاجر به عنوان عاملان خشونت در حکم دنبال نخود سیاه فرستادن است. خشونت آن‌ها تنها تشدید هراس‌آور خشونت در جامعهٔ بورژوازی را منعکس می‌کند. وقتی جنگ‌افروزی بی‌رحمانه به صورت شبانه‌روزی انجام می‌شود، خشونت افراطی در جنگ اوکراین به‌طور غیرانتقادی تبلیغ می‌شود و نیروهای مسلح آلمان به‌طور گسترده جوانان را برای شرکت در جنگ به استخدام درمی‌آورند، آنها خودشان در حال پایین آوردن آستانهٔ بازدارندگی خشونت ارتجاعی هستند. در تلویزیون زی.دی.اف برای اینکه فرد

در منطقهٔ برلین-نویکولن^{۱۷} باید با "بخش‌هایی از جمعیت که از دولت فاصله دارند" سر و کار داشته باشد و امصیبتا سر داده شد. (منظور اولریش واگنر روانشناس اجتماعی در برنامهٔ روز ۲ ژانویهٔ ۲۰۲۳ است.)^{۱۸} مسأله این است و این دولت قبل از هر چیز باید خود را مقصر بداند: با سیاست‌های آن برای حاکمیت محض سرمایهٔ مالی بین‌المللی و علیه طبقهٔ کارگر، توده‌های وسیع و آیندهٔ جوانان-شان، و همچنین تبعیض نژادپرستانه علیه مهاجران که در بخش‌هایی از دستگاه دولتی نهادینه شده است. کسانی که در قدرت هستند، به منظور پیشبرد فاشیستی‌سازی آپاراتوس دولتی، رویارویی‌هایی مانند آنچه در لوتزرات یا در شب سال نو رخ داد، به راه انداختند. چرا ملیت عامل خشونت همیشه مورد تأکید قرار می-گیرد؟ اگر اخبار دربارهٔ وابستگی طبقاتی جنگ‌افروزان یا اعتقادات به لحاظ ایدئولوژیک فاشیستی قاتلان، که عمدتاً به عنوان "افراد مجرم سردرگم" کم اهمیت جلوه داده می‌شوند، اطلاع‌رسانی کند، محتوای اطلاعات بسیار عالی‌تر خواهد بود. در این صورت به راحتی می‌توان دریافت که بیشترین سهم خشونت در جهان مربوط به نیروهای امپریالیستی، ارتجاعی و فاشیست است.

Berlin-Neukölln^{۱۷}

<https://www.zdf.de/nachrichten/heute-19-uhr/silvester-gewalt-gegen-sicherheitskraefte-video-100.html>^{۱۸}

پرچم سرخ: علیرغم افزایش ناراضایتی از دولت، «پاییز داغ» که صاحبان قدرت از آن می ترسیدند، محقق نشد.

گابی فشتنر: واقعیت دارد، اما دولت بدون ضرر هم از آن بیرون نیامد. برخلاف اظهارات اولیه خود، مجبور شد بزرگترین برنامه اقدامات تعدیلی تا به امروز را ارائه کند. این شامل تمدید و افزایش مزایای مسکن، به اصطلاح ترمز قیمت گاز و برق، یارانه نوسازی کارآمد انرژی، پرداخت‌های یک‌باره و غیره می‌شود. البته این اقدامات فقط قطره‌ای در اقیانوس و اغلب یک کلاهبرداری کامل هستند، به خصوص که آنها سود بیشتری را نیز برای انحصارات فراهم کردند. با این وجود، این‌ها فعلاً به فرونشاندن مردم کمک کرده‌اند. این واقعیت که دولت برای کاهش تضادهای طبقاتی خود را مجبور به اتخاذ چنین اقداماتی احساس می‌کند، نشان‌دهنده تدافعی بودن سیاسی آشکار آن است. جادوی خودخوانده «ائتلاف پیشرفت» اکنون رنگ باخته است. در ماه نوامبر، ۶۶ درصد از افراد مورد بررسی گفتند که از سیاست‌های دولت فدرال ناراضی هستند.^۹ با این وجود، این توقع که به مناسبت‌های مختلف به وجود آمده، که با توجه به بحران، تحولات در آگاهی یا مبارزات باید

^{۱۹} <https://yougov.de/topics/politics/articles-reports/2022/11/11/sonntagsfrage-november-2022-unzufriedenheit-mit-de>

بسیار سریع‌تر پیش برود، ایدئالیستی است. مقاومت فعال به صورتی ساده در تشابه با تشدید وضعیت عینی آشکار نمی‌شود. برای پردازش همه رویدادها با دیدگاه طبقاتی پرولتری، آگاهی بالاتری لازم است. این همچنین شامل غلبه بر شیوه تفکر منفی‌بافانه خرده‌بورژوازی است که نسبت به بشریت و توانایی آن در به دست گرفتن مبارزه برای آینده‌اش در دستان خود شک و تردیدی کلی ترویج می‌دهد. این افزایش آگاهی غیرجذاب و گاه پر زحمت است، اما همچنین برگ برنده بزرگی برای «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د) در کار نظام‌مند آن در میان افراد عادی است.

پرچم سرخ: برای برخی افراد تعجب‌آور بود که چگونه طبقه کارگر در سال گذشته به صحنه آمد. این چه نقشی در مبارزه برای تغییر جامعه دارد؟

گابی فشتنر: علیرغم سودهای بی‌سابقه، سرمایه‌داران در ابتدا حتی در راندهای چانه‌زنی دسته‌جمعی هیچ پیشنهاد جدی ارائه نکردند، در عوض بر روی پروپاگاندا درباره بحران خود تکیه کردند و روی یک راند دیگر از اول شرط‌بندی کردند. کارگران این پرووکاسیون را به صورتی توأم با تعرض رد کردند: در سال ۲۰۲۲ در آلمان،

۱۴۴۸ اعتصاب توسط اتحادیه‌های کارگری با ۱,۲ میلیون شرکت‌کننده، که بالاترین تعداد از سال ۲۰۱۸ بود، و همچنین شش اعتصاب مستقل با ۳۸۵۰ شرکت‌کننده انجام شد.^{۲۰} در سطح بین‌المللی نیز **کارگران ستون فقرات حیاتی** در مبارزات در حال گسترش در ایران، فرانسه، بریتانیا، یونان، بلژیک و ایتالیا - به عنوان چند نمونه معدود - هستند.

در جریان **چانه‌زنی دسته‌جمعی صنعت فلزات** در آلمان، ۹۰۰۰۰۰ همکار در اعتصابات رزمنده به منظور هشدار دادن مشارکت کردند. به ویژه عناصر مبارز در آنجا اغلب تحت تأثیر اعضای «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د) بودند. «م.ل.پ.د» استدلال‌های مناسبی برای بهره‌گیری کامل از قدرت مبارزاتی اتحادیه کارگری، علیه تبلیغات برای کناره‌گیری کردن و علیه هرگونه آشتی طبقاتی ایجاد کرد. شعار «الغای نظام دستمزد!» کارل مارکس، اگرچه هنوز به طور همسان به اشتراک گذاشته نشده است، اما به طور فزاینده‌ای موضوع بحث آشکار و علاقه‌مندانه قرار گرفته است. سرمایه‌داران مجبور بودند با ملایمت رفتار محاصره‌گرفته خود را ترک کنند. با این حال، توافق ناگهانی دستمزد به فلزکاران نیز ضربه زد. **قدرت مبارزاتی اتحادیه‌های کارگری**

^{۲۰} (به نقل از آمار اعتصابات GSA)

هنوز واقعاً مستقر نشده بود و به اعتصاب‌هایی برای هشدار دادن تقلیل یافت. حرکت مشخصی در انتقاد از توافق اصلاح‌طلبانه شکل گرفت.

تقاضا برای افزایش دستمزد تکمیلی به یک بحث توده‌ای تبدیل شده است که «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» نقش قابل توجهی در آن ایفا کرده است. حدود یک سال پیش، ما این موضوع را با بروشور «هشدر/تورم» خود ده هزار بار در بزرگ‌ترین شرکت‌های آلمان منتشر کرده بودیم. در آستانهٔ چانه‌زنی جمعی «اتحادیهٔ صنعتی فلزکاران»^{۲۱}، چندین هیئت از نمایندگان اتحادیه‌های بخش تولیدی کارخانه‌ها در مورد مطالبات دستمزدی دو رقمی تصمیم گرفتند. تعدادی تجمع مستقل، اعتصابات کوچکتر و ابتکار عمل‌های مبارزه‌جویانه در شرکت‌ها یا ارگان‌های اتحادیهٔ کارگری اتفاق افتاد. سرمایه‌داران و دولت باید به این پاسخ می‌دادند. هدف اقدام موسوم به "اقدام هماهنگ" در ۲۰۲۲ این بود که با اجازه دادن به پرداخت‌های یکباره‌ای که از مالیات‌های نسبتاً بالا معاف باشند، بادبان خواسته‌های تهاجمی کارگران را از باد خالی کند. از آن زمان تاکنون، توافقات دسته‌جمعی متعدد با عناوینی مانند «اضافه‌بهای تورم» به گونه‌ای تفسیر شده است که گویی مبارزه برای افزایش

^{۲۱} IG Metall

دستمزد تکمیلی حل شده است. اما این نه تورم را جبران می‌کند و نه صورت حساب‌های پرداخت‌نشده کارگران را تسویه می‌کند. جدا از جنبه اقتصادی، اهمیت بنیادی اعتصابات مستقل در ویژگی سیاسی آن‌ها نیز نهفته است. این امر به ویژه در زمانی اهمیت می‌یابد که نظامی‌سازی روزافزون جامعه و تدارک برای جنگ جهانی، مقاومت فعال را به‌ویژه برای طبقه کارگر ضروری می‌سازد.

یک مبارزه مستقل با اهمیت کارگران هم‌اکنون در تولیدکننده لوازم خودرو و رهبر بازار جهانی رینگ‌های آلومینیومی، «بوربت»^{۲۲} در زولینگن در جریان است. استقلال طبقاتی در آنجا حفظ و توسعه یافت. کارگران مبارزه خود را به رهبری یا شوراهای کارگری جناح راست سندیکایی وابسته نکردند، بلکه آن را مستقلاً علیه آن‌ها سازمان دادند تا «آواز قو» ایشان بلند شود. همچنین ارتباطی نزدیک و رابطه‌ای توأم با اعتماد با «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» وجود دارد و نیروی کار تا حدی بر طرز فکر ضد کمونیستی خرده‌بورژوازی غلبه کرده است.

کارگران به موقع قبل از اقدامات مبارزاتی، کمیتهٔ پیکار مستقلی را انتخاب کردند که به صورت دموکراتیک شور کرده و تصمیم می‌گیرد.

چنین تجربیات مبارزاتی مستقلی نیز اهمیت دارند، چرا که ما باید خود را برای این واقعیت آماده کنیم که انحصارها می‌خواهند در ماه‌های آینده مشاغل را به طور گسترده‌ای کاهش دهند. ۳۲۰۰ اخراج اعلام‌شده در «فورد» در «کُلن»، کاهش هزاران شغل در «آمازون»، «اس‌آپ»^۳ یا «تویوتر» اولین نشانهٔ این امر است.

پرچم سرخ: از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون چنین روند تورمی به مانند سال ۲۰۲۲ وجود نداشته است، و دولت مدعی است که این "تورم مربوط به جنگ" بوده که مسئولیت آن با جنگ تهاجمی پوتین است.

اشتفان انگل: این کاملاً یک پدیده است که تورم با بحران اقتصادی و مالی جهانی سر به فلک کشید. معمولاً چنین بوده است که بحران مازاد تولید با کاهش تورم همراه است. در آلمان، نرخ تورم در سال

۲۰۲۲ رسماً به ۷,۹ درصد افزایش یافت؛ و در شرایط واقعی، برای خانواده‌های طبقه کارگر بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بود.^{۲۴}

این تغییر فقط به طور غیرمستقیم به جنگ اوکراین یا همه‌گیری کووید-۱۹ مربوط می‌شود. در حقیقت، این یک **تورم مبتنی بر سفته‌بازی** است که از انحصارات بین‌المللی حاکم شروع می‌شود. آن‌ها می‌خواهند حتی در زمان بحران اقتصادی از سفته‌بازی برای تضمین حداکثر سود خود استفاده کنند. برخلاف این پس‌زمینه، اقدامات به‌عمل‌آمده توسط دولت برای مقابله با این روند تورمی تا **حد زیادی یا به نتیجه نمی‌رسد و یا اینکه حتی به عکس خود تبدیل می‌شود**. بنابراین، دولت حتی با به اصطلاح ترمز قیمت گاز، سفته‌بازی را با مالیات توده‌ها تأمین مالی می‌کند. علاوه بر این دولت با توزیع مجدد درآمد ملی به نفع انحصارها و به خرج توده‌های وسیع، به کاهش ارزش دستمزدها و حقوق‌ها نیز کمک می‌کند.

یقیناً این توسعه تورمی برای جامعه و اقتصاد امپریالیستی نیز پیامدهای منفی دارد، چرا که توده‌ها را ناآرام می‌کند و آن‌ها را بر خلاف شرایط اجتماعی تغییر جهت می‌دهد. «کریستین سوئینگ»،

^{۲۴} محاسبات از GSA :

https://www.destatis.de/DE/Presse/Pressemitteilungen/2023/01/P_D23_022_611.html

مدیرعامل «دویچه بانک»، در اوایل ژوئیه ۲۰۲۲ به صورتی نگران‌کننده هشدار داد^{۲۵} که تورم "تهدیدی برای صلح اجتماعی" و "سمی برای جامعه" است.

علاوه بر این، تورم تا حدی نیز بر تولید و تجارت تأثیر منفی دارد که به ویژه برای بورژوازی غیرانحصارگر و خرده‌بورژوازی خویش‌فرما یک مشکل بزرگ است. بنابراین، دولت‌های امپریالیستی سعی می‌کنند اثر کاهنده‌ای بر تورم داشته باشند، اما بدون اینکه برای خنثی کردن علت آن یعنی سفته‌بازی انحصارات بین‌المللی کوچک‌ترین تلاشی انجام دهند. تنها چیزی که برای طبقه کارگر و توده‌های وسیع باقی می‌ماند، مبارزه مشترک برای دستمزدها و حقوق‌های بالاتر و برای دستیابی به منافع اجتماعی است.

پرچم سرخ: اگر روایات بورژوازی را باور دارید، بحران اقتصادی و مالی جهان به دلیل همه‌گیری کرونا یا شروع جنگ است. چگونه به این پاسخ می‌دهید؟

گابی فشتنر: ما از سه ماهه سوم سال ۲۰۱۸ -مدتها قبل از جنگ اوکراین- در یک بحران اقتصادی و مالی جهانی تمام‌عیار و

^{۲۵} <https://www.handelsblatt.com/finanzen/banken-versicherungen/banken/christian-sewing-gift-fuer-die-gesellschaft-deutsche-bank-chef-warnt-vor-folgen-der-inflation/28477676.html>

ادواری به سر برده‌ایم. این بحران در سال ۲۰۱۹ به اکثریت قریب به اتفاق کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری رسید. تا به امروز، کشورهای پیشرو امپریالیستی و نو-امپریالیستی مانند آلمان، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، ژاپن، برزیل، آفریقای جنوبی و همچنین اقتصاد کلی منطقهٔ یورو یا گروه کشورهای G7 از آن بهبود نیافته‌اند. در برخی موارد تولید صنعتی آن‌ها هنوز بسیار پایین‌تر از سطح قبل از بحران است. ایالات متحدهٔ آمریکا تنها اندکی از این سطح فراتر رفته است. تولید صنعتی چین بالاتر از سطح قبل از بحران است. با این حال، از آغاز بحران اقتصادی و مالی جهانی، رشد آن به طور قابل توجهی کاهش یافته است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۲ به پایین‌ترین سطح خود در دهه‌های اخیر برسد.^{۲۶} برهم‌کنش با همه‌گیری کرونا، جنگ اوکراین و جنگ اقتصادی جهانی، بحران اقتصادی و مالی جهان را عمیق‌تر می‌کند، اما علت آن به شمار نمی‌رود. در ۲۵ ژانویه، هابک،^{۲۷} وزیر امور اقتصادی و اقدام اقلیمی، «گزارش اقتصادی سالانهٔ ۲۰۲۳» را ارائه کرد که در آن دولت برای سومین بار در ۹ ماه از سال، پیش‌بینی اقتصادی خود را اصلاح می‌کند. به هر حال، هابک یک سال پیش

^{۲۶} محاسبات توسط GSA بر اساس ارقام «سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی» (OECD). در رابطه با چین برای سال ۲۰۲۲، بر اساس ادارهٔ آمار چین

^{۲۷} Robert Habeck

نیز نمونه‌ای از مهارت‌های تحلیلی خود را ارائه کرده بود. او چرخشی به سمت «اقتصاد بازار اجتماعی-اکولوژیکی» را پیش‌بینی کرد. نتیجه، افزایش زمان بهره‌برداری نیروگاه‌های هسته‌ای و زغال سنگ، ترویج استخراج گاز و نفت در آفریقا، استفاده از گاز فراکینگ در ایالات متحده، و فقر نسبی و مطلق در آلمان است که در دوران پس از جنگ بی‌سابقه بوده است! اما به هر حال توانایی هابک عمدتاً در فلسفه‌پردازی دربارهٔ سیاست او دیده می‌شود. بحران‌های چرخه‌ای اضافه‌تولید، قانون تولید سرمایه‌داری است. حتی هابک هم نمی‌تواند در این مورد بحث کند!

پرچم سرخ: در بحبوحهٔ شرایط بحران‌زدهٔ جهان، سومین کنفرانس بین‌المللی «جنبش معدنچیان پیکارگر و مبارز طبقاتی» این بار در آلمان برگزار می‌شود. چه اهمیتی برای این رویداد قائل هستید؟

اشتفان انگل: کارگران معدن با بیش از ۲۰ میلیون معدنکار، بزرگ‌ترین ارتش کارگران صنعتی در تولید بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. به عنوان یک قاعده، آن‌ها فوق‌العاده ستیزه‌جو و رادیکال هستند، و بنابراین برای توسعهٔ مبارزهٔ طبقاتی بین‌المللی اهمیت برجسته‌ای دارند. اگرچه استخراج زغال سنگ سخت در

آلمان در سال ۲۰۱۸ به پایان رسید، هنوز بیش از ۵۰ گودال مختلف در اینجا وجود دارد. امروزه بزرگ‌ترین گروه معدنچیان، به غیر از آن‌هایی که در استخراج زغال سنگ کار می‌کنند، معدنچیان پتاس در شمال ایالت هِسِن، و ایالت‌های زاکسن-آنهالت و تورینگن هستند. در رشته‌کوه ارتس، به ویژه، معادن سنگ معدن قدیمی که پس از اتحاد دوباره آلمان بسته شده بودند، در حال حاضر به منظور مقابله با عرضه جهانی مواد خام که از همیشه کمیاب‌تر هستند (سیلیکون، خاک‌های کمیاب و غیره) بازگشایی می‌شوند. ابتکار عمل معدنکاران با نام «معدنچیان برای AUF»^{۲۸} در همکاری با سازمان‌های غیرحزبی خودگردان مختلف توده‌ها، به تأسیس موفقیت‌آمیز «کمیته هماهنگی بین‌المللی معدنکاران»^{۲۹} در آرکیپا در پرو در سال ۲۰۱۳ کمک قابل توجهی کرد. سومین کنگره هم-اکنون در پایان ماه اوت در تورینگن آلمان برگزار می‌شود. از نظر سیاسی، باید با خطر فزاینده تفرقه در اتحاد بین‌المللی طبقه کارگر در مقابل پس‌زمینه جنگ اوکراین و خیزش سوسیال-شوونیسم و ناسیونالیسم در جنبش طبقه کارگر مقابله کند. «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» تدارک و پشتیبانی از این رویداد معدنچیان را به یکی از وظایف اصلی خود در سال ۲۰۲۳ تبدیل

Kumpel für AUF^{۲۸}

International Miners' Coordination (IMC)^{۲۹}

می‌کند و بنابراین بر دعوای خود مبنی بر اینکه تنها نماینده معدنچیان در چشم‌انداز متعارف حزبی باشد تأکید می‌کند.

پرچم سرخ: چهارمین پلنوم کمیته مرکزی که اخیراً برگزار شد، توسعه «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» را که سال گذشته چهلمین سالگرد خود را جشن گرفت، چگونه ارزیابی می‌کند؟

گابی فشتنر: پلنوم چهارم کمیته مرکزی خلاصه‌ای مثبت از توسعه «حزب مارکسیست لنینیست آلمان» (م.ل.پ.د) ارائه کرد. جشن‌های سه روزه ما با عنوان «۴۰ سال م.ل.پ.د» در ماه اوت - از طریق گردهمایی‌های سیاسی آن و با شفاف‌سازی در مورد نقش کار تئوریک در ایجاد حزبی پیروزمند در برابر سرگردانی اجتماعی، از طریق سطح فرهنگی بالای آن و خوش‌بینی‌ای که ارسال کرد، تجلیل از رفقای پیشگام دارای شایستگی برجسته، ارائه متنوعی از سیستم کار حزب در میان افراد عادی و اتحادیه جوانان «شورش/روبه‌های سرخ»^{۳۰} و کار سازمانی درجه یک-، تأثیر عمیقی بر روی حدود ۳۰۰۰ شرکت‌کننده و همچنین بر بسیاری از بینندگان آنلاین گذاشت. «م.ل.پ.د» توانایی‌های خود را برای

Rebell/Red Foxes^{۳۰}

حرکت و رهبری توده‌ها تحکیم کرده است. با انتشار شماره ۳۶ سری کتاب‌های «راه/انقلابی»، با عنوان «بحران/ایدئولوژی بورژوازی و ضد کمونیسم»، و شماره ۳۷ آن «بحران/ایدئولوژی بورژوازی و /پورتونیسم»، زمینه‌های اساسی ایدئولوژی بورژوازی را در تیررس قرار دادیم. این آن‌طور که برخی ممکن است از آن بیم داشته باشند، به بیگانه ساختن متحدان منجر نشد، اما روند شفاف‌سازی را تسریع کرد. ما با یک سیستم بی‌نظیر از گروه‌های مطالعاتی در سراسر کشور، رویدادهای برگزارشده در سالن‌ها و نیز در فضاهای باز، بحث‌های توده‌ای کوچک و بزرگی را دربارهٔ این نشریات سازمان‌دهی کردیم. ما با انتشار بروشور «جنگ/اوکراین و بحران علنی نظام جهانی/امپریالیستی» با تیراژ بیش از ۱۲۰۰۰ نسخه و ۱۷۰۰۰ بار دانلود (تا ۳ فوریهٔ ۲۰۲۳ با احتساب نسخه‌های خارجی)، توانستیم در ایجاد آگاهی مشارکت کنیم و بر افراد دموکرات، ضد فاشیسم، ضد نظامی‌گری و سوسیالیست تأثیراتی بگذاریم که قبلاً امکان‌پذیر نبود.

ما به‌ویژه قصد داریم راهنمایی، آموزش و تعلیم را تقویت کنیم و این تلاش‌ها را با شدت بیشتری ارزیابی می‌کنیم تا حتی به اعضای خود بهتر کمک کنیم تا وضعیت بحرانی کنونی را درک کنند و کار

خود در میان افراد عادی در کارخانجات، محله‌ها و دانشگاه‌ها را با آن تجهیز کنند.

اتحادیه جوانان ما به نام «شورش»^{۳۱} برخی از ویژگی‌های کیفی را که یک اتحادیه جوانان توده‌ای نیازمند آن است به وجود آورده است. البته آن‌ها هنوز معیاری برای کار حزب و «شورش» در زمینه جوانان نیستند. محدودیت‌ها در طول همه‌گیری کووید، به کار در حوزه جوانان به طور قابل توجهی آسیب رساند. به عنوان مثال، جلسات گروهی «روپاهای سرخ» نمی‌توانست به طور منظم برگزار شود. اکنون باید گام به گام بر این اثرات منفی غلبه کرد و راه رسیدن به یک اتحادیه توده‌ای جوانان را بدون سازش دنبال کرد.

در تمام این موارد، ما باید به یاد داشته باشیم که **اقدامات سختگیرانه صاحبان قدرت علیه «م.ل.پ.د.» ادامه دارد.** این اقدامات در زمان وزیر کشور سابق، زیهوفر،^{۳۲} با آزار و اذیت اشتفان انگل و دیگران به عنوان "ستیزه‌جویان خطرناک"، با قرار دادن رهبری حزب در لیست افراد تحت تعقیب، و با ممنوعیت برگزاری رویدادها و اخراج از سالن‌ها و غیره آغاز شد. همراه با این، سیاست دولت فدرال کنونی به طور فزاینده‌ای در جهت عقب راندن

Rebell^{۳۱}

Horst Seehofer^{۳۲}

«م.ل.پ.د» به سمت انزوا است. برای این منظور، کمپین‌های بدنام کردن کامل علیه «م.ل.پ.د» به راه می‌افتد، تیم‌های آدمکش به «م.ل.پ.د» حمله می‌کنند و غیره. دولت امیدوار است با چنین اقداماتی شرکای اتحاد و افراد علاقه‌مند را دفع کند. تصمیم زننده دادگاه ضد کمونیستی علیه انجمن زنان «دلوری»^{۳۳} که وابسته به حزب هم نیست بیانگر این است که در آینده هرکسی که کاری به جز سازمان‌دهی یک غرفه اطلاع‌رسانی در رویدادی که «م.ل.پ.د» در آن حضور داشته انجام نداده، یا کسانی که در یکی از رویدادهای «م.ل.پ.د» پلاکاردی در دست داشته‌اند، تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. چنین فضولی در باورهای سیاسی مردم، یک ستم آشکار ضد کمونیستی است!

در عین حال، طرز تفکر ضد کمونیستی خرده‌بورژوازی همچنان مانع اصلی بسیاری از مردم برای همکاری دائمی با «م.ل.پ.د» است. علیرغم همه پیشرفت‌ها، «م.ل.پ.د» هنوز یک نیروی نسبتاً کوچک است. ختم کلام رهبری جنبش "به ضد کمونیسم فرصت ندهید!" به صورتی توأم با تعرض است. این بدان معناست که نه تنها در هنگام حملات واکنش نشان دهیم، بلکه خود موضوع چشم‌انداز سوسیالیستی را در دستور کار قرار

دهیم. مهم‌تر از همه، روزهای مبارزه و بزرگداشت جنبش انقلابی طبقه کارگر برای این منظور از اهمیت بالایی برخوردار است؛ با آن‌ها می‌توان مسائل راهبردی تدارک انقلاب سوسیالیستی بین‌المللی را مورد بحث قرار داد و به روشی فرهیخته‌وار پردازش کرد. چنین رویدادها و وظایفی بخشی از مبارزه دورنماهای جهان است که ما قطعاً باید با شدت به آن ادامه دهیم.

پرچم سرخ: چرا موضوع «بحران علوم طبیعی بورژوازی» را برای کتاب جدید شماره ۳۸ از سری کتاب‌های «راه انقلابی» که قرار است در چند روز آینده منتشر شود انتخاب کردید و این کتاب درباره چیست؟

اشتفان انگل: در چند سال اخیر توده‌ها بیشتر و بیشتر نسبت به اظهارات سیاستمداران، نمایندگان صنعت یا سخنگویان شرکت‌ها انتقادی شده‌اند. با این حال، علم طبیعی هنوز هم بی‌طرف، صرفاً متعهد به حقیقت و به خودی خود متریقی تلقی می‌شود. بنابراین، به ویژه در شرایط بحرانی تشدیدشده، وسیله‌ای مفید برای گسترش ایدئولوژی بورژوازی و بازیابی اعتماد است. بی‌جهت نیست که در آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ تعداد زیادی از ویروس‌شناسان، اپیدمیولوژیست‌ها و پزشکان صف کشیده بودند تا نشان دهند که دولت به خوبی مراقب وضعیت هست.

هزاران مستند تلویزیونی، وبلاگ‌ها، مجلات و روزنامه‌ها اطلاعات بسیار ارزشمند و مادی گرایانه‌ای را منتشر می‌کنند. اما هر بخش منفرد از اطلاعات همچنین به صورت ایدئولوژیک نیز تفسیر می‌شود، با جهان‌بینی بورژوازی هماهنگ می‌شود و با جمع‌بندی‌های عملی همراه می‌شود.

این به ما نمی‌چسبد که بخواهیم علوم طبیعی را به صورت یک‌جا محکوم کنیم. برعکس، این کتاب در مورد توسعه نقد دیالکتیکی-ماتریالیستی از علم طبیعی بورژوازی و در نتیجه قابل استفاده کردن و حفظ همهٔ بینش‌های جدید ماتریالیستی برای طبقهٔ کارگر و متحدانش است. این جنبه از مبارزهٔ ایدئولوژیک به ویژه برای گسترش ماتریالیسم در میان طبقهٔ کارگر اهمیت دارد. ما همچنین به واسطهٔ آن، انتقاد سیستماتیک از محتوای آموزشی بورژوازی در مدارس و دانشگاه‌ها را تشویق خواهیم کرد. بیش از همه، ما در این کتاب از ماتریالیسمی که به صورت علمی پایه‌گذاری شده در برابر تضعیف غیرعلمی آن توسط تنگ‌نظری پراگماتیستی و چشم‌بندهای پوزیتیویستی ایدئولوژی بورژوازی دفاع می‌کنیم. بنابراین ما راه را برای علم طبیعی دیالکتیکی-ماتریالیستی به عنوان بخشی اساسی از سوسیالیسم علمی هموار می‌کنیم.

ما به صورت آگاهانه یقین پیدا کردیم که کتاب در یک بحث تخصصی غیرقابل فهم سرگردان نمی‌شود، بلکه واقعاً به **سؤالات توده‌ها** می‌پردازد: مثل همیشه به صورت جدلی، درباره‌ی این تز ضد کمونیستی که انسان‌ها ذاتاً خودخواه هستند، فانتزی‌های بیگ بنگ و سیاه‌چاله‌ها، یا این تز ایده‌آلیستی که هر مسئله‌ی سلامت روانی دارای ترومایی به عنوان علت اصلی است که راه حل آن کناره‌گیری از زندگی اجتماعی است بحث می‌کنیم. در بسیاری از بخش‌ها تا جایی که امروزه این امکان وجود دارد، به **چشم‌اندازهای علوم طبیعی در جامعه‌ی سوسیالیستی** اشاره می‌کنیم. اگر علوم طبیعی در مبارزه علیه بدنام‌سازی ضدکمونیستی به **تفکر دیالکتیکی - ماتریالیستی** برگردد و خود را وقف خدمت به توده‌ها کند، سوسیالیسم به **علوم طبیعی بال خواهد بخشید**. در عین حال، این ابتکار عملی برای ترویج کار جوانان حزب - در میان جوانانی که در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند و در میان روشنفکران شاغل در علم است.

پرچم سرخ: چگونه می‌خواهید کتاب را گسترش دهید و بحث کنید؟

گابی فشتنر: ما این کتاب را به طور گسترده در میان کارگران، زنان و جوانان می‌فروشیم، همراه با هم آن را می‌خوانیم و در رویدادهای متعدد درباره آن بحث خواهیم کرد. ما تمرکز ویژه‌ای بر اتخاذ موضع تهاجمی با **انتقاد از علوم طبیعی بورژوازی** و در نتیجه از **محتوای تدریس** در دانشگاه‌ها و کالج‌ها خواهیم داشت. گذشته از این، سه میلیون دانشجو در مؤسسات دانشگاهی آلمان وجود دارد. بسیاری از آن‌ها با انگیزه کمک به پیشرفت اجتماعی به عنوان پزشک، مهندس یا بوم‌شناس تحصیل می‌کنند. به غیر از رویدادهایی که به صورت کامل کتاب را پوشش می‌دهد، نویسندگان و همکاران در حال برنامه‌ریزی برای سازمان‌دهی به همراه دانشجویان و اساتید پیشرو و عصیانگر، برای **بحث‌هایی** در دانشگاه‌ها در **دانشکده‌های مربوطه**، مانند فیزیک، زیست‌شناسی، روان‌شناسی و غیره هستند. ما یک کمپین تبلیغاتی گسترده را برای بررسی شروع خواهیم کرد و برای این منظور به مجلات علمی، اساتید و کارگران صنعتی نیز نزدیک خواهیم شد. این کتاب متعلق به هر کتابخانه دانشگاهی است!

پرچم سرخ: وظایف آتی تیم تحریریه «راه انقلابی» در چند سال آینده چیست؟

اشتفان انگل: در حاضر تمرکز بر روی تکمیل رسالهٔ جدلی ما، «بحران/ایدئولوژی بورژوازی و دکترین شیوهٔ تفکر»، در پنج جلد قرار دارد. پس از جلد سوم، «بحران علوم طبیعی بورژوازی»، دو جلد دیگر این مجموعه با عناوین «بحران علوم انسانی و فرهنگ بورژوازی» و «دکترین شیوهٔ تفکر» و همچنین کتاب «در مورد تغییرات در سیستم جهانی/امپریالیستی» در حال انجام است. به طور همزمان، برای مدت زمانی قابل توجه یک کارگروه در حال انجام تحلیل‌های جامع برای انتشار «برخی بازتاب‌های زندگی‌نامه‌ای در مورد/استالین» بوده است. با این حال، در چند ماه آینده، ابتدا یک شمارهٔ ویژه یا جلد تکمیلی برای شمارهٔ ۳۵ از سری کتاب‌های «راه/انقلابی» با عنوان «هشدار فاجعه - در برابر تخریب عمدی وحدت بشریت و طبیعت چه باید کرد؟» تحریر خواهیم کرد.

در تمام این موارد، به ویژه به صورت مشخص ضرورت دارد که **تغییر نسل در تیم تحریریۀ «راه/انقلابی»** به شیوه‌ای مصمم ادامه یابد تا از یک **پایهٔ نظری محکم** نیز برای توسعهٔ آیندهٔ حزب-سازی و مبارزهٔ طبقاتی اطمینان حاصل شود. یادگیری کار نظری مارکسیستی-لنینیستی باید به طور سیستماتیک انجام شود. به همین خاطر، گاهی اوقات این یا آن تأخیر اجتناب‌ناپذیر به وجود

می‌آید. اما اگر با انضباط، بلندهمتی پرولتری و سبک و روش کار پرولتاریایی خود را وقف این کار کنید، کار دشواری نیست.

پرچم سرخ: این تصور به وجود می‌آید که ورق در جنبش انقلابی بین‌المللی در حال بُر خوردن است. آیا این روند مثبت است یا شما را نگران می‌کند؟

گابی فشتنر: در همین حال، آشکار می‌شود که روند مستقیم جهت‌گیری مجدد و گروه‌بندی مجدد در جنبش بین‌المللی انقلابی و طبقه کارگر در نوسان کامل است. ماهیت بحران خیز سیستم جهانی امپریالیستی و به‌ویژه جنگ اوکراین نفت بر آن ریخت. در سطح بین‌المللی ما شاهد یک سلسله انشعابات و مبارزات خط‌کشی در سازمان‌های انقلابی هستیم. این امر با شفاف‌سازی جبهه‌ها همراه است - چنانکه علیه رویزیونیسم مدرن اتفاق افتاد، که به عذرخواهی سوسیال-شوونیستی آشکار امپریالیسم روسیه منجر شده است.

تغییرات در نظام جهانی امپریالیستی تأثیری خواه مثبت یا منفی، بر روند بین‌المللی شفاف‌سازی می‌گذارد. چندین حزب و سازمان انقلابی، به عنوان مثال، پدیده ظهور کشورهای نو-امپریالیستی را به رسمیت نمی‌شناسند، که به این نتیجه راه می‌برد که حتی برخی از آن‌ها در قبال کشورهای امپریالیستی مواضع سوسیال‌شوونیستی

اتخاذ می‌کنند. در این موضوع، اگر موفق به شفاف‌سازی آن به صورت مثبت نشویم، این امکان وجود دارد که انشعاب جدیدی در جنبش بین‌المللی انقلابی و طبقه کارگر ایجاد شود.

ویژگی خاص «م.ل.پ.د» این است که ما کار نظری سیستماتیک انجام می‌دهیم و با سیستم «راه/انقلابی» کمی جلوتر از تحولات می‌ایستیم. برای ما نیز این یک روند فشرده بحث است، اما ارزشمند است و امروز هیچکس نمی‌تواند از آن صرف نظر کند. این کار نظری در سطح بین‌المللی مورد تأیید گسترده‌ای قرار می‌گیرد و شاید مهم‌ترین سهم ما در مبارزه طبقاتی بین‌المللی باشد. یک بحث سرزنده و محرک در داخل «کمیته هماهنگی بین‌المللی احزاب و سازمان‌های انقلابی» (ایکور)^۴ و با احزاب و سازمان‌های انقلابی بیشتر و بیشتری وجود دارد. «یکور» همیشه از موضع روشن **انترناسیونالیسم پرولتری** حمایت کرده است. همچنین **جبهه متحد بین‌المللی** ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی پیشرفت بزرگی است. اگر اکنون بخواهیم آن را فقط به مبارزه خلق‌های تحت ستم علیه ایالات متحده آمریکا اختصاص دهیم، تا حدی محدودیتی عجیب برای این جبهه متحد خواهد بود. در واقع، در کشورهای

International Coordination of Revolutionary Parties and
Organizations (ICOR)^۴

تحت ستم نیز که اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها خودشان کشورهایی سرمایه‌داری هستند، مبارزه طبقاتی در جریان است، و بورژوازی‌ای وجود دارد که با سرمایه مالی بین‌المللی پیوند تنگاتنگی دارد و طبقه کارگر باید نقش رهبری را داشته باشد. امروز امپریالیست‌ها بیشتر از همه، عمدتاً حداکثر سود خود را از یکدیگر می‌ربایند، که منجر به مسابقه شدید رقابتی و خطر فزاینده جنگ جهانی شده است.

پرچم سرخ: می‌توانید یک دیدگاه مختصر به ما ارائه دهید؟

گابی فشتنر: یک "نقطه عطف واقعی در تاریخ" از سرمایه‌داری به سوسیالیسم هرگز نمی‌تواند بدون نقش رهبری مارکسیست-لنینیست‌ها به لحاظ ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی که در حال حاضر خود را در آگاهی‌سازی و سازمان‌دهی افراد عادی به صورت وسیع و فشرده نشان می‌دهد، به بلوغ برسد. نقش «م.ل.پ.د» در جامعه به عنوان یک کل و «ایکور» در صحنه جهانی بیش از پیش به یک مسئله اساسی در توسعه اجتماعی تبدیل می‌شود. همانطور که کارل مارکس گفت، هدف فقط تفسیر جهان نیست، بلکه تغییر آن است. انترناسیونالیسم پرولتری راهنمای تدارک و پیاده‌سازی انقلاب سوسیالیستی بین‌المللی است.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

کارگران همهٔ کشورها و همهٔ ستمدیدگان متحد شوید!

پرچم سرخ: بسیار سپاسگزارم!

Fundamental Conclusions from Profound Changes in Society

Rote Fahne Interview

with

Stefan Engel and Gabi Fechtner

February 2023

Fundamental Conclusions from Profound Changes in Society

**Rote Fahne Interview
with
Stefan Engel and Gabi Fechtner**

February 2023

 **Rote Fahne**
Magazin der MLPD

 **MLPD**

Member of
ICOR